

نگاه نکنه چه مدال بباره و چه نیاره دوران خوشی رو سپری میکنه .

عوامل و رموز موفقیت شما در المپیاد چه بوده است ؟

مهمتریناش یکی همون بود که من هدفم مدال نبود یعنی من یادمه که به معلم های المپیاد میگفتم که من اگر کنکوری هم بشم در سال کنکور، کلاسای المپیاد رو باز هم شرکت میکنم.

و به خاطر اینکه هدفم مدال نبود آرامش بیشتری داشتم. اینکه اگر نتیجه ی منفی هم بگیرم تاثیر منفی روی زندگیم نذاره و اینکه کلن وضعیتم تنظیم شده نبود ولی چون خودم رو با بقیه مقایسه میکردم و استرس نمیگرفتم و سر جلسه فقط به این فکر میکردم که یه امتحان خوب بدم، می تونستم تواناییهام رو تو امتحان اجرا کنم.

المپیادی ها ادمهای مغروری هستند، نظر تون ؟

من با کسانی در ارتباط هستم که المپیادی بودن و این غرور رو در اونها ندیدم، ولی خیلی در دیگران دیدم که در مورد المپیادی ها همچین فکری میکنن .

من خودم کتمان نمیکنم که به طور ذاتی مغرور هستم ولی از اولین بار که این مسئله رو فهمیدم _ که اول راهنمایی بودم_ دامن زیر نظرش داشتم و سعی کردم که یه جوروی کنترلش کنم که عزت نفسم حفظ بشه. سعی کردم که عزت نفس رو داشته باشم ولی غرور به اون معنای بدش رو نداشته باشم. ولی نمیدونم که تونستم یا نه. حداقلش اینکه همیشه سعی رو تو این زمینه کردم.



با اینکه کنکور ندادید، فکر می کنید کنکور به چه معناست ؟

کنکور یعنی اینکه یکسال تمام دوستان و بچه های مدرسه رو ببینن بهشون زنگ نزنن برای اینکه میدونی روزی ان ساعت باید بخونی! من تنها دیدی که نسبت به کنکور دارم اینه و تاثیری که رو زندگی من گذاشته همین بوده.

با توجه به اینکه شما می توانید از سال دوم، رشته دومی را برای تحصیل همزمان انتخاب کنید، آیا به سراغ ریاضی می روید ؟

من در تلاش هستم ولی ممکنه که به خاطر معدل بهم اجازه ندن چون یه مقدار بخشنامه ها تغییر کردن ولی الان در تلاشم که با ریاضی دو رشته ای کنم.

دو رشته ای بودن باعث سنگین شدن نمیشه به این دلیل که مدت تحصیل برام مهم نیست که چه مقدار طول میکشه یعنی نمیخوام فشرده درس بخونم و اینکه مخلوط درس ریاضی و برق در دراز مدت برام اسون تر خواهد بود.

هدف کلی شما برای آینده چیست ؟

هدف آینده به طور کلی خیلی خوش تعریف نیست، چون که زندگی انسان جنبه های مختلف داره و توی هر کدوم از اونا یه سری هدف داره منتها اگر بخوام به طور کلی بگم، هدفم اینه که بتونم بر اساس اصولی که برای خودم درسته زندگی کنم و زندگی آرومی داشته باشم. اما هدفم در زمینه ی شغلی! به این فکر کردم که در آینده چیکاره بشم ولی خودمو هنوز مهندس تصور نمیکنم درواقع برای همینه که میخوام دو رشته ای کنم چون هنوز نمیدونم که آیا دوست دارم که یه محقق و یه ریاضیدان باشم یا اینکه یه مهندس. این چیزیه که هنوز تصمیم قطعی نگرفتم. ولی در این حد روشنه که میخوام یا محقق بشم یا مهندس برق.

نخبه تبیل مصداق حال شماست ؟

اره. دقیقن نمیدونم که تعریف نخبه چیه ولی با تعریف تبیل کاملا موافقم. توضیح بیشتر اینکه من ادم راحت طلبی هستم و براساس اونکه دوست داشته باشم و احساس خوشایندی بهم بده عمل میکنم. در نتیجه خیلی تلاش های انجمنی نمیکنم برای چیزهای مختلف.

تدریس هم می کنید ؟ کار ؟

کار که تا الان زیاد درس دادم ولی خیلی دوست ندارم که یه جا زیاد بمونم . الان تعداد زیادی مدرسه تدریس کردم و گاهی هم شاگرد خصوصی دارم. وضعیت مالی هم اینکه خرجم رو از خانوادم جدا کردم و اینطوری راضی ام.

او فاطمه نویدی ست متولد ۲۵ اذر ۱۳۷۰ ، فارغ التحصیل دبیرستان فرزنانگان تهران و دانشجوی مهندسی برق دانشگاه صنعتی شریف. شمرده شمرده حرف می زند و آرام به نظر می رسد، کتاب خواندن و کافه رفتن را خیلی دوست دارد و می گوید اگر به او خوش نگذرد نمی تواند زندگی کند. او موفق به کسب مدال طلای بیست وهفتمین المپیاد ریاضی کشور شده و می گوید احتمالان اگر مدال نمی گرفته سر از دانشگاه نا کجا آباد در می آورد. بستکبال دوست دارد و مدتی ست تار زدن را شروع کرده، می گوید تئاتر هم خیلی دوست دارد اما یک بیننده ی آماتور تئاتر محسوب می شود. حرف های زیادی برای گفتن دارد اما کم حرف است...

چطور شد که تصمیم به شرکت در المپیاد دانش آموزی گرفتید ؟

شروعش اینطور بود که پنجم دبستان که بودیم ما رو به یه المپیادی فرستادن که اولین دوره ای بود که ایران در اون المپیاد شرکت میکرد بعد با توجه به شرکت کنندگانی که بودن فهمیدیم که مربوط به سن ما نمیشه...همین باعث شد که من در دوران راهنمایی جوای ای باشم که دوره های بعدی چه جوریه که کسی جواب درستی بهم نداد. تو دوران دبیرستان کاملا پیگیر شدم و فهمیدم یه همچین المپیادی هست که خیلی هم معتبره و...

کلن دلیل اصلی این نبود که المپیاد بدم . این بود که احساس کردم توی یه راه منسجم تر و هدفمند تر میشه ریاضی رو خوند یعنی توی یه چارچوبی میتونه پیش بره که میدونیم به کجا میره. درواقع از روی علاقه م ریاضی رو برای المپیاد انتخاب کردم.

چرا عضو تیم اعزامی به المپیاد جهانی نشدید ؟

به خاطر اینکه من معده م مشکل پیدا کرده بود و سر کلاس ها که میشستم حالم بد میشد به همین دلیل کلاسها رو نمیتونستم برم. همینجور که غیبت هام زیاد شد، دلسرد شدم و کلن به این نتیجه رسیدم که بی خیال شم و دیگه نخونم.

چه حسی داشتید که به جهانی نرفتید ؟

راستش حس خاصی نداشتم، تنها چیزی که یه مقدار منو ناراحت میکرد این بود که معلم هام تاکید داشتن که تو به عنوان یه دختر به خاطر اینکه دختر کمه تو المپیاد ریاضی، یه جورایی نماینده دخترتایی و نتیجه ای که میگیری در تصمیم گیری های آینده ی اونا نقش داره ... یه مقدار از این بابت احساس گناه میکردم.

در سال پیش دانشگاهی چه کردید ؟

کار خاصی نمیکردم! بیرون زیاد میرفتم ولی بیشتر داشتم ریکواری میکردم که حالم بهتر بشه...سال اول دانشگاه هم ادامه ی ریکواری بود.

من خیلی بد برنامه ریزی کردم و یک نفر که برنامه ریزیش خوب باشه میتونه از این یه سال خوب استفاده کنه...زمان خیلی خوبیه که ادم قبل از دانشگاه رفتن ببینه واقعا چی میخواد و یه سری از کارها که بهش علاقه داره و ممکنه تو دانشگاه وقت نکنه انجام بده رو انجام بده و من این کارو نتونستم بکنم.

نقش خانواده در دستیابی به این موفقیت را چگونه ارزیابی میکنید ؟

مهمترین نقشی که همیشه خانواده دارن اینه که اولن به تصمیمات من خیلی احترام میگذارن (چون خانواده های زیادی بودن که نمیکذاشتن بچه هاشون المپیاد بخونن و می گفتن که به درس مدرسه ش لطمه میزنه ولی پدر مادر من همیشه میگفتند که ما فکر میکنیم تو خودت تشخیص میدی و اگر به خودت بسپاریم میتونی درس مدرسه ت رو هم جوری پیش ببری که به مشکلی بر نخوره) چیز دیگری که وجود داشت این بود که پدر و مادر من هیچ وقت فشاری در هیچ یک از دوران زندگیم به خاطر درس به من وارد نکردن که مثلا الان بشین درس بخون یا هر چی. که این خودش خیلی در آرامشی که من در دوران تحصیل داشتم نقش داشت. این آرامش باعث میشه که ادم بازدهی ش بیشتر بشه . نه اینکه همش استرس داشته باشه یا نگران نتیجه باشه.

به دانش آموزانی که علاقه مند به شرکت در المپیاد کشوری هستند، چه توصیه ای دارید ؟
توصیه که راجع به روش درس خوندن و اینا هیچی نمیتونم بگم چون هر کسی روش مربوط به خودش رو داره منتها چیزی که به نظر من بسیار جامعه همون مسئله ی آرامش و هدفه. آرامش از این نظر که خیلی از مسیر های زندگی _ خصوصا المپیاد _ کوچیکتر از این حرفهاست که آدم با اضطراب خودش رو اذیت کنه یا باعث بشه که کمتر از این مسیر لذت ببره. همچنین من توی دوستانم دیده بودم که خیلی اضطراب دارن و کاملا نتیجه ی منفی داشته. من حدس میزنم که اگه یه ذره اضطراب نداشتم میتونستم ادم موفق تری بشم. مسئله ی دیگه هم هدفه که بچه ها هدفشون رو برای خودشون روشن کنن، یعنی آیا واقعا به قصد مدال میخوان المپیاد بخونن و خب حالا مدال رو برای چی میخوان، واسه اینکه جایی اول باشن یا برای رفتن به دانشگاه؟ به نظر من اگر برای رفتن به دانشگاه میخوان ریسک المپیاد خیلی بالاست، بهتره که برای کنکور تلاش کنن. اگر که کلن هدف مدال نیست و علاقه ست _همونطور که هدف من بود_ فکر میکنم که ادم اگر به چشم رقابت به این قضیه

